

به نام خدا



انتشارات دانشگاه فرهنگیان

تجلیات معنوی هنر

در نگارمهای تکیه معاون الملک

تألیف

اکبر پرویزی

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

سرشناسه:	پرویزی، اکبر، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور:	تجلیات معنوی هنر در نگاه‌های تکیه معاون الملک/تالیف اکبر پرویزی.
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه فرهنگیان، انتشارات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۱۵۷ ص.: مصور(رنگی).
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۰۲۴-۷
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۱۵۵ - ۱۵۷.
موضوع:	تکیه معاون الملک
موضوع:	کاشی و کاشی کاری ایرانی
موضوع:	Tiles, Iranian
موضوع:	تکیه‌ها و حسینیه‌ها -- ایران -- کرمانشاه
موضوع:	Takych-ha va hoseyniyeh-ha -- Iran -- Kermanshah*
شناسه افزوده:	دانشگاه فرهنگیان، انتشارات
رده بندی کنگره:	NK ۴۶۷۰/۷
رده بندی دیویی:	۷۳۸/۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۷۲۹۴۸۱۶

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

انتشارات دانشگاه فرهنگیان

تجلیات معنوی هنر در نگاه‌های تکیه معاون الملک
تألیف: اکبر پرویزی (عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان)
ویراستار ادبی: دکتر علی اکبر کمالی‌نهاد
طراح جلد: شیما رنجبر
صفحه‌آرا: سولماز دمندانی
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۹
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۰-۲۴-۷
بهای کتاب: ۴۰.۰۰۰ تومان

تمامی حقوق مربوط به انتشار این اثر برای ناشر محفوظ و نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

نشانی:

تهران، شهرک قدس، خیابان شهید فرحزادی، خیابان تربیت معلم،

دانشگاه فرهنگیان، کد پستی ۱۹۳۹۶۱۴۴۶۴

نشانی پایگاه اینترنتی دانشگاه: <https://cfu.ac.ir>

تلفن: ۸۷۷۵۱۲۶۸

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
مقدمه	۹
تاریخچه بنای نکیه معاون الملک	۱۵
معاون الملک کیست؟	۱۹
اسلام، هنر شیعی و عاشورای حسینی	۱۹
تعزیه در ایران	۲۵
تعزیه در کرمانشاه	۲۹
ساختار معماری نکیه معاون الملک	۳۱
کاربری نکیه معاون الملک	۳۷
نزیینات نکیه معاون الملک	۳۸
کاشی کاری در ایران	۴۴
کاشی کاری نکیه معاون الملک	۴۶
کاشی هفت رنگ	۴۷
هنرمندان، نقاشان، معماران و کاشی سازان نکیه معاون	۴۸
تشریح و تحلیل نگاره‌های نکیه معاون الملک	۵۳

۶۷	کاشی‌های برجسته شمال صحن عباسیه
۶۹	بررسی نقوش نگاره‌های تکیه
۷۶	نقاشی قاجار و تأثیرات آن بر نقاشی روی کاشی
۷۹	نقاشی قهوه‌خانه‌ای و تأثیرات آن بر نقاشی روی کاشی
۸۴	تحلیل رنگ‌شناسی نگاره‌های تکیه
۹۲	تجزیه و تحلیل نگاره‌های تکیه
۹۹	دیدگاه هنری در نگاره‌های تکیه
۱۰۱	تجلی روح معنوی حاکم بر نگاره‌ها
۱۰۷	ابعاد نگاره‌های تکیه
۱۰۸	نتیجه‌گیری
۱۱۳	ضمایم تصویری
۱۴۹	فهرست تصاویر
۱۵۵	منابع

پیشگفتار

شواهد باستان‌شناسی و مطالعات پیرامون آن حکایت از آن دارد که انسان از ابتدا با تصویر همراه و هم‌ساز بوده و از آن بهره‌ها جسته است. زمانی تصویر صرفاً امکانی برای بهره‌وری زیستی برای شکار و ادامهٔ حیات بوده و در زمانی دیگر ابزاری برای بیان عواطف و احساسات؛ اما امروزه کاربرد تصویر در تمام لحظات عمر انسان گسترش یافته و گریزی از آن نیست.

بررسی سیر تکامل و تکوین تصویر و تصویرگری از دیرباز از موضوعات مورد علاقهٔ پژوهشگران بوده است. آنچه ما از آن با عنوان نقاشی یا نگارگری نام می‌بریم، از همان تصاویر انسان‌های اولیه نشأت گرفته است؛ اما تکامل و پیشرفت آن مدیون اساتید و هنرمندان این حوزه است. نقاشی بر روی کاشی، که شاخه‌ای از نقاشی ایرانی است، در طول سالیان دراز، هم‌پا با پیشرفت و توسعهٔ معماری، زینت‌بخش ابنیه، مساجد، بازارهای سنتی و تکایا شده است.

زمانی که تزیین بناهای مذهبی و مساجد بر عهدهٔ هنرمندان کاشی‌کار می‌شود، به یک‌باره رنگ‌ها و نقش‌هایی در دیوار مساجد و تکایا نقش می‌بندد که گویی تا آن زمان در اندیشه‌های پرمهر هنرمندان به انتظار مانده است. تکیهٔ معاون‌الملک، در مرکز شهر کرمانشاه، از جملهٔ این بناهاست که به همت حسن‌خان معاون‌الملک بنا می‌شود. وی زندگی‌اش را وقف احداث و اتمام این بنا کرده و آن را در شرایط سخت و بحرانی مشروطیت به جایگاهی می‌رساند که به مرکزی عظیم برای فعالیت‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، ملی و طایفه‌ای تبدیل می‌شود و نباید فراموش کرد که این جایگاه به‌راحتی به‌دست نیامده و هزینه‌های مادی و معنوی فراوان صرف شده تا این تکیه، تکیهٔ معاون‌الملک شده است. نگاهی به تاریخچه و بررسی نگاره‌های آن موضوعی بود که مدت‌ها ذهن این نویسنده را به خود معطوف داشته بود

و بسیار خرسندم که دنیای هنر امکانی فراهم آورد تا از دریچه‌ای ناگشوده، شناختی تازه از تکیه معاون‌الملک، تصاویر و نگاره‌های آن تقدیم خوانندگان ارجمند کنم.

امید آن دارم که پژوهش حاضر بتواند گوشه‌ای از ناشناخته‌های فرهنگ و تمدن ایران عزیز را برای عموم علاقه‌مندان به حوزه‌های فرهنگ، هنر، میراث فرهنگی و تمدنی را بازشناسد. قطعاً این اثر خالی از نقص نیست و امید است، در صورتی که با اقبال مواجه شود و چاپ مجددی از آن صورت گیرد، به مدد نقدها و پیشنهادهای صاحبان ذوق و قلم، نقص‌های احتمالی اثر اصلاح شود.

مقدمه

فرهنگ غنی و پر بار ایران حکایت از کشوری با سابقه تاریخی چند هزار ساله و حکومت‌های مقتدر و توانا و مردمی هوشمند، با استعداد، خوش فکر و مبتکر دارد که در موقعیت‌های خاص نقش‌های اساسی در فرهنگ‌سازی تمدن جهانی داشته است.

مطالعه تاریخ و تمدن و فرهنگ کشور ما بازگوکننده این حقیقت است که ایران از گذشته دور قافله‌سالار فرهنگ و تمدن بشری بوده است. وجود هزاران نسخه کتب خطی، میلیون‌ها قطعه اشیای فرهنگی - تاریخی موجود در گنجینه‌های ایران و جهان و بناها و امکنه تاریخی، گواه این واقعیت است. آنچه حاصل فکر و اندیشه، باورها، اعتقادات و تلاش‌های فراوان نسل‌های گذشته یک ملت بوده و به صورت سنت‌ها، آداب و رسوم یا دست‌سازه‌هایی تبلور یافته و به نسل‌های بعد منتقل شده، میراث فرهنگی یک ملت‌اند.

مهم‌ترین آثاری که امروزه در اختیار ماست، مسجدها، مدرسه‌ها و اماکن مقدس‌اند که در گذشته دست‌خوش حوادث بسیار شده‌اند. علاقه فراوان ایرانیان به دین و مذهب و روزافزونی جمعیت، توسعه شهرها و تغییر حکومت‌ها همه عللی بودند که ساختن دارالحکومه‌ها، کاروان‌سراها و مساجد را ضروری می‌کرد. معماران و دیگر هنرمندان با هنرمندی تمام این بناها را زینت بخشیدند و بدین صورت معماری ایران به اوج کمال رسید. طراحان خوش فکر، با الهام از هنر خود و بهره‌گیری از نقوش زیبای ایرانی - اسلامی، در جهت زیباسازی نماها آثار خلاقه‌ای را طراحی و اجرا کرده‌اند که تا به امروز جلوه خود را حفظ کرده است.

حکایت آفرینش نقش و نگاره‌های پر رمز و راز نقاشی ایرانی در این میان جایگاهی خاص دارد. حکایت آفرینش نقش و هم‌نشینی رنگ بر تن خاک یا به دیگر تعبیر، پیوند میان سر

انگشتان خلاق نگارگر عاشق و عارف این دیار با آب و خاک و آتش قدمت و پیشینه‌ای به درازی عمر تاریخ هنر و فرهنگ در جای جای ایران زمین دارد. کاشی کاری هنری است که امروزه همراه و هم گام با معماری نام و آوازه جهانی دارد و هنوز می‌شود که در شهرهای پُراز دحام و گم شده در زیر آوار سنگ و سیمان ردپایی از آن گرفت و آن را در خانه‌های قدیمی، بناهای رسمی و دولتی، مساجد، بازارهای سنتی، حمام‌ها و تکیای یافت و به ستایش شگفت‌آفرینی‌های معماران و هنرمندان هنرهای سنتی نشست. هنری که در پی آن عشق و زندگی به هم آمیخته‌اند و این چنین زیبایی و لطافت را در نقش و نگاره‌های کاشی آفریده‌اند. (سیف، ۱۳۶۹: ۴)

آنچه هنرمندان سنتی ایران در هنر کاشی کاری انجام داده‌اند، تجسم بخشیدن به بخشی از عالی‌ترین آمال و ایده‌آل‌های رفیعی است که به وسیله فرهنگ و سنت والای ایرانی - اسلامی به آن اعتبار و غنای بیش‌تری بخشیده‌اند تا بدین طریق میراث گران‌بهای نیاکان خداجو و هوشمند خود را برای همیشه در تاریخ جاودان سازند. شاید هیچ امری، در پهنه دشت‌های وسیع این مرزوبوم، زیبایی کاشی ایرانی را توصیف‌گر نباشد.

در بررسی هنر ایرانی از دیرباز با هنری بی‌پیرایه و استوار بر اندیشه جمعی، که در نهایت ساده‌اندیشی بیان می‌شود، روبه‌رو بوده‌ایم. این هنر پیچیده نیست و تفاخوری به مکتب‌ها و سبک‌ها نمی‌کند. واقع‌گراست و هنری است که تجلی دوق، فکر و احساس عموم است و هنری است که بند کشیده نمی‌شود و سبکی را بر سبکی ترجیح نمی‌دهد و گاه منظور خود را با تمثیل و استعاره و رمز بیان می‌کند و گاه بدون قافیه، هرچه در دل دارد در قالب شعر یا نقش و نگار عرضه می‌کند. این هنر در تاروپود اجتماعی جای باز کرده‌است و از زندگی مردم جدا نمی‌شود و به واقع در متن اصلی زندگی آنان تنیده است و سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر به صورت یادگار منتقل می‌شود. این هنر - که ما آن را هنر عامه می‌نامیم - صمیمی، ساده و بی‌پیرایه است. اندیشه در هنر و فرهنگ عامه وابسته به دنیای عمل است که مثبت و خوش‌بین است. فرهنگ و هنر عامه بیان امید و خوش‌بینی انسان‌هاست و قهرمانان آن با کار و تلاش و فداکاری به مقصود می‌رسند؛ اما واقعیت این است که آثار برجسته هنر عامه مخلوق همه افراد آن جامعه‌اند و هنرمند تنها آن را می‌آرایند.

نقاشی عامیانه ایرانی، که اصطلاحاً به نقاشی قهوه‌خانه‌ای معروف است، دارای همین ویژگی‌هاست. ویژگی‌هایی که در میان کوچه و بازار، در چهاردیواری نمود قهوه‌خانه‌ها و زورخانه‌ها و در فضایی مالا مال از شوق و ایمان حسینه‌ها و تکیه‌ها متولد شد؛ آن هم با

همت و توان هنرمندانی دل‌سوخته، یک‌رنگ، بی‌ادعا، پرمهر و باصفا. حکایت آنان به لطافت و زیبایی آثارشان، به روایت مهر، الفت و یک‌رنگی است. قصه صفا و صمیمیت و داستان گم‌نامی و مهجوری است. هنری که شاعرانش تذکره و دیوان ندارند و نقاشانش بی‌ادعا و گم‌نام‌اند و نام معماران و خطاطانش بر هیچ کتیبه و دیواری نقش نیست است. آنان صادقانه و بی‌نیاز - در عین نیاز - به خلاقیت پرداختند و چه پُربار و بی‌نیاز که از میان ما رفتند و واقعاً نام و نشان از بی‌نیازی داشتن زبیده اینان است.

با نگاهی اجمالی به صحنه‌ها و وقایع نقاشی‌شده در تکیه معاون‌الملک، مخاطب به راحتی درمی‌یابد که خصوصیات ظاهری و اجرایی این آثار شباهت بسیاری به سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای دارد. همان‌طور که می‌دانیم، این سبک دارای موضوعات گوناگونی است که یک شاخه آن مضامین مذهبی است و نقاشی قهوه‌خانه‌ای، برخلاف جریان‌های نقاشی آکادمیک و نگارگری ایرانی، خارج از حوزه رسمی نقاشی رشد کرده و راه خود را پیش رفته است. پژوهندگان سابقه این نوع نقاشی مذهبی را در ایران به عهد صفویان - زمانی که تشیع گسترش بسیار یافته بود - مربوط می‌دانند. این نقاشی نه تنها در تکیه معاون‌الملک، بلکه در بسیاری از مکان‌های مذهبی دیگر زینت بخش اماکن مذهبی ما ایرانیان است. حجم زیادی از صحنه‌های عاشورا و تعزیه امام حسین (ع) موضوع این نگاره‌هاست.

مسلم آن‌که در خلال چند قرن گذشته انواع نقاشی متأثر از فرهنگ عامه و به عبارتی فرهنگ روستایی، به موازات هنر رسمی و درباری رشد کرده‌اند؛ اما نقاشی موسوم به قهوه‌خانه‌ای جریانی متفاوت و متأخر است.

در نقاشی سنتی ایران، ما به جای جهان عینی با جهان تخیل و تمثیل روبه‌رو هستیم. به‌طور کلی مهم‌ترین ویژگی نقاشی ایرانی تجلی برتری جهان تمثیلی و تخیلی بر جهان عینی و محسوس است. از میان شاخصه‌های این نقاشی می‌توان این‌ها را برشمرد: حذف پرسپکتیو، گسترش فضا از پایین به بالا، قرار گرفتن در تصویر به لحاظ مرتبه معنوی و مادی، گستردگی نور یا عدم وجود منبع نور در صحنه، استفاده از رنگ‌های درخشان، تخت و متنوع، پرهیز از شبیه‌سازی، عدم حجم‌سازی و سایه‌روشن انداختن، سادگی فرم‌ها و تقید به قواعد آناتومی، اهمیت یافتن یکسان انسان و طبیعت، نادیده گرفتن ترتیب زمانی و هم‌زمان کردن حوادث، از میان بردن بُعد مکانی، هم‌سخنی با ادبیات و از جمله کتاب‌آرایی، مصاحب‌گرویدن با آثار عرفانی، داستانی و دواوین. (گودرزی، ۱۳۸۰: ۴۲)

زمانی که تزئین و پوشش بناهای مذهبی به گونه‌ای گسترده و وسیع به‌عهده هنرمندان کاشی‌کار می‌افتد، به یک‌باره نقش‌ها و رنگ‌هایی بر دیوارهای مساجد و تکایا و حسینیه‌ها و بقاع متبرکه جان می‌گیرد که گویی تا بدان زمان در اندیشه‌های پُرمهر هنرمندان به انتظار مانده‌است و حال وظیفه دارد که چشم‌هایی را به‌سوی خود بکشانند. نتیجه آن خواهد شد که هنر کاشی‌کاری و کاشی‌سازی ایران بدان پایه از اعتبار می‌رسد که معماری سنتی ایران، به‌ویژه معماری مذهبی، بی‌مدد تزئین کاشی، نه توان نمایاندن خود را دارد و نه یارای آشکاری و صلابت شکوه و زیبایی را.

گزاف نیست اگر کاشی را سفیر ذوق و اعتبار هنر ایران در گوشه و کنار عالم بنامیم؛ زیرا خلاصه و آیینۀ تمام‌نمای ویژگی‌های هنر ایران را یک‌جا به‌نمایش می‌گذارد. از نقش‌های دل‌فریب قالی گرفته تا نقوش اسرارآمیز تذهیب و تاب و کرشمه‌های افسونگر خط و خوش‌نویسی، پرده‌های نقاشی ایرانی در همراهی با خیال خوش‌خرام تصویرگران تابلوهای کاشی همه در گوشه چشم کاشی خوش‌آرمیده‌اند.

امروزه پژوهش‌های منطقه‌ای و بومی با اندیشه‌ای فرامنطقه‌ای و جهانی می‌تواند چالش‌های ناشی از بازشناسایی آثار تمدنی و ملی کشور را پوشش دهند و حتی‌الامکان کورسویی به فردای روشن برای شناساندن هویت ملی ایرانی - اسلامی به دنیای پیرامونمان باشد.

در همین راستا و برای ادای دین به شهر و دیارم و نکیه معاون‌الملک، که نام «موزه کاشی ایران» زبیده آن است، تصمیم گرفتم تحلیلی نو با محوریت کاشی‌ها و نگاره‌هایش ارائه کنم و صد البته فقدان اثری مکتوب و قابل توجه برای علاقه‌مندان این اثر که بخواهند اطلاعات کافی و منسجم پیرامون این بنای زیبای ماندگار به‌دست آورند، دلیلی دیگر بود تا با ارائه این اثر کمبود اطلاعات مکتوب و کتاب‌خانه‌ای را تا حدودی جبران کرده باشم. آنچه مدنظر بوده، توجه بیش‌تر به تصاویر کاشی‌ها بود. ضمن آن‌که برای این مهم ابتدا به پیشینه و وضعیت امروز آن و جایگاه ویژه‌اش در شهر کرمانشاه و هم‌چنین به ساختار معماری و معرفی نگاره‌ها و خصوصیات آن‌ها از ابعاد مختلف پرداخته‌ام.

نگاره‌ها و تصاویر مختلف به‌شدت تحت تأثیر شرایط و زمان خود قرار دارند. در تصاویر و نگاره‌ها تلفیقی از اسطوره، مذهب و مسائل اجتماعی معاصر در کنار هم قرار دارد. به‌نظر می‌رسد روند تکمیل و توسعه کاشی‌کاری بنا از یک رویه ثابت پیروی کرده‌است. در بسیاری موارد مضامین نگاره‌ها ناشی از تلقی شخصی و باورهای اجتماعی طراحان و برخاسته از فرهنگ سنتی حاکم بر عصر قاجاریه است.

بازشناسی زوایای ناشناخته و مبهم هنرهای اصیل ایرانی از مباحث مورد توجه بوده؛ لذا شناخت تحلیلی از تکیه معاون‌الملک کرمانشاه، به‌عنوان فضایی منحصر‌به‌فرد، از جهات گوناگون چون شیوه معماری و کاشی‌کاری زیبای آن در میان آثار به‌یادمانده دوران قاجار در ایران جایگاهی والا دارد. مکان و فضای تکیه و قدمت و موقعیت آن و چگونگی ساختار معماری تکیه و مقتضیات زمان، مضامین و مفاهیم کاشی‌کاری‌ها، کاشی‌های به‌کاربرده شده، چگونگی به‌کارگیری و هم‌نشینی رنگ‌ها از جمله سؤالات مورد توجه من برای این پژوهش است.

مطالعات درباره این موضوع، که بخش اعظم آن را مطالعات میدانی تشکیل می‌داد، شامل مشاهدات مکرر، تهیه عکس و فیلم، گزارش‌نویسی و مصاحبه از مطلعان و کارشناسان میراث فرهنگی بوده است، که هنوز جای کار دارد و کامل و جامع نیست.

بخش‌هایی از پژوهش نیز مطالعات کتابخانه‌ای است و شامل کلیاتی از ویژگی‌های نقاشی ایرانی و نقاشی روی کاشی است که با مطالعه ده‌ها منبع شامل کتاب، مقاله، مجلات و ... حاصل شده، که در منابع موارد مورد استفاده لیست شده‌اند. شاید در بخش‌هایی نتوانسته‌ام آن‌چنان که باید، حق مباحث را ادا کنم، که به این مهم آگاهم. امیدوارم بتوانم، با راهنمایی اصحاب فکر و اندیشه، در حوزه‌های میراث فرهنگی و تمدنی، نقایص احتمالی را مرتفع کنم.

بسیاری از تصاویر این پژوهش را، جز چند مورد که آن‌هم در حال حاضر امکان دسترسی به آن نیست، خودم به‌واسطه تخصصم در این رشته گرفته‌ام، که منابع آن در فهرست تصاویر آورده شده است. نکته‌ای دیگر که ضرورت دارد آن را یادآوری کنم، این است که بخش زیادی از تحلیل‌ها و مطالب مرتبط با تصاویر و نگاره‌ها که تحلیل‌های مؤلف است، به‌عنوان زیرنویس تصاویر آمده که می‌توانستم آن را داخل متن بیاورم تا مطالب متن دارای بار تحلیلی بیش‌تر باشد؛ ولی از آن جهت که تصاویر را به‌صورت ضمیمه آورده‌ام و مایل بودم ارتباط تصویری مطالب تئوری با تصاویر حفظ شود، بخشی از تحلیل‌ها را در زیرنویس تصاویر آورده‌ام.